

■ **حضرت امیر المؤمنین علی؛**

بر دباری، برده‌ای پوشاننده و عقل شمشیری برنده است.

■ **آدان تلهر:** ۱۲:۱۷ ■ **غروب آفتاب:** ۱۷:۵۵
■ **آدان مغرب:** ۱۸:۱۴ ■ **نیمه شب شرقی:** ۲۳:۰۵
■ **آدان صبح فردا:** ۵:۵۵ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶:۳۹

■ **صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری**

■ **سرمدیر: دانیال معمار**

■ **توزیع و اشتراک:** موسسه نشرگستر امروزیون

■ **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ **چاپ: همشهری**

■ **دفتر مرکزی:** تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴

■ **کدپستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-تهران، صندوق پستی۱۹۳۵۱۵۴۴۶

■ **تلفن:** ۲۳۰۳۳۰۰۰، ۲۳۰۴۶۰۶۷، ۲۳۰۴۶۰۶۷

■ **شنبه ۶ اسفند ۱۴۰۱** ■ **سال سی‌ویکم** ■ **شماره ۸۷۲۲**

همیشه‌ری

صفحه آخر

ی‌ارب مگیرش ار چه دل چون کبوترم

افکنده گشت و عزت صید حرم نداشت

حافظ

■ **همشهری:** www.hamshahrionline.ir

■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahrionline.ir

مردم کدام کشورها بیشتر زبان بلدند؟



جواد نصرتی

مردم بلدند و با آن صحبت می‌کنند. در واقع مردم در کشورهای زیادی، سال‌ها، به اجبار یادطلبانه، زبان‌های دیگری را آموزش می‌بینند. اما آیا همه در یادگیری زبان خارجی موفق هستند؟ شرایط، در قارهای مختلف کاملاً متفاوت است. به‌صورت کلی،

بهترین وضعیت را اروپایی‌ها دارند: حدود ۶۵درصد جمعیت این قاره، به جز زبان مادری، دست‌کم یک زبان دیگر را هم بلدند و به آن صحبت می‌کنند. در مقایسه، این آمار در آمریکا تنها ۲۰درصد در میان بزرگسالان است؛ یعنی از هر ۱۰ نفر، تنها ۲ نفر زبانی جز انگلیسی بلدند.

در اروپا، بلد بودن زبان خارجی، ارتباط زیادی به جغرافیا دارد. مردم در کشورهای شمالی، به‌راحتی ۲ یا چندزبانه هستند در حالی‌که هر چه به جنوب می‌رویم، مردم برای یادگیری زبان دوم، با مشکل بیشتری مواجه هستند. در کشورهایی که انگلیسی زبان مادری به شمار می‌رود، علاقه برای یادگیری زبان دوم بسیار کمتر است؛ در ایرلند، کمتر از ۵۰درصد مردم زبان خارجی بلدند و در انگلیس، فقط یک‌سوم مردم به جز انگلیسی زبان دیگری بلدند.
فواید یادگیری زبان خارجی، نیازی به توضیح ندارد. اما اینکه چطور مردم زبان دوم یا زبان‌های بیشتری یاد می‌گیرند، به شرایط کلی کشور و همینطور میزان آموزش در آن ربط دارد. عموماً ۲روش عمده وجود دارد که مردم ۲ یا چندزبانه می‌شوند: اولی تولد در یک خانواده ۲ یا چندزبانه است و دیگری یادگیری زبان دوم در مدرسه یا مراحل بعدی زندگی. نکته‌ای که متخصصان متفق‌القول روی آن تأکید می‌کنند، این است که هر چه افراد در سنین پایین‌تر زبان دوم یاد بگیرند، راحت‌تر می‌توانند در آن به استادی برسند. با توجه به این اصل، کارشناسان توسعه زبانی، توصیه مهم برای والدین دارند: اولی این است که در خانه، زبان اقلیت را به فرزندانش بیاموزند. این یعنی اگر مثلاً یک زوج ایرانی که زبان مادری‌شان فارسی است و در آلمان زندگی می‌کنند، در خانه بافرزندانشان خردسال خود فقط فارسی صحبت کنند، چون کودکان در محیط‌های بیرون مثل مهدکودک و زمین‌های بازی و بعداً در مدرسه، در مجاورت زبان آلمانی قرار می‌گیرند و آن زبان را، همچون گویشوران بومی آن یاد می‌گیرند. روش دیگر، «هر فرد، یک زبان» است. تصور کنیم که یک مرد ایرانی‌تبار فارس‌زبان با همسر لبنانی عرب‌زبان خود در انگلیس زندگی می‌کند. در این شرایط، پدر فقط با بچه فارسی صحبت می‌کند و مادر هم با زبان عربی با بچه ارتباط را که هر روز برایشان دانه می‌پاشد، خوب به‌خاطر دارند. پدرم را می‌گویم؛ مردی که تا وقتی زنده بود حساب کارهای روزانه‌اش را، از جمله دانه‌پاشیدن برای پرندگان، که عادت کرده بودند هر روز صبح جلوی مغازه قدیمی‌اش بیایند، فراموش نکرد. جالب اینکه وقتی آخرین روزهای زندگی‌اش را سپری می‌کرد، انگار که بخواهد از مهمی را با من که فرزند ارشد خانواده بودم در میان بگذارد، آهسته طوری که فقط من بشنوم، گفت: «یادت باشد روزی این پرنده‌هایی را که هر روز برای خوردن دانه جلوی مغازه می‌آیند، فراموش نکنی. آنها عادت کرده‌اند روزی‌شان را از دست ما بخورند. هر چند ما، وسیله‌ایم؛ روزی پرنده‌ها را هم خدا می‌رساند، اما تو یادت باشد از این کار غفلت نکنی.»
تحکم کلام پدر موقع به زبان آوردن این حرف‌ها چنان بود که باعث شد هرگز فراموش نکنم یکی از وصیت‌های اصلی پدر همین فراموش نکردن روزی پرنده‌ها بود. سعی کردم به خودم بقیولم که اگر مال و منال‌ی از پدر برای خانواده به جا مانده است، غیر از اهل خانه، موجودات زنده دیگر از جمله همین پرنده‌ها هم سهمی از آن دارند که من باید امتاندار خوبی باشم تا همگی از سهم خود استفاده و ارتزاق کنند.

احتمالاً این گزاره را شنیده‌اید که کودکان چندزبانه، در گفتار و فهم مطالب، کمی تأخیر دارند. می‌توان گفت این موضوع واقعی است؛ کودکانی که ۲ یا چند زبان یاد می‌گیرند، نسبت به کودکان یک‌زبانه، واژگان بسیار زیادتر و متنوع‌تری در ۲ یا چند زبان یاد می‌گیرند و تحلیل و آماده‌کردن آنها در جلسات، گاهی کمی با تأخیر صورت می‌گیرد. بزرگداشت زبان مادری که سه‌شنبه پیش روز جهانی آن بود، بزرگداشت تنوع فرهنگی نوع بشر است و به ما یادآوری می‌کند که چه پشتوانه فرهنگی متنوعی داریم.

پرنده‌ها از دارایی پدرم سهم دارند

علی اللّٰه سلمی

کنار نرده‌های زیرگذر راه‌آهن تهران – اهواز، جای آشنایی برای پرنده‌ها در جنوب شهر است که هر روز بیایند از دانه‌های پاشیده شده بخورند و موقعی که سبیر شدند دوباره بر فراز آسمان آبی محله‌ای که جای جای آن را خوب می‌شناسند، پرواز کنند. پرنده‌های این محله، چهره خندان و قامت خمیده مردی را که هر روز برایشان دانه می‌پاشد، خوب به‌خاطر دارند. پدرم را می‌گویم؛ مردی که تا وقتی زنده بود حساب کارهای روزانه‌اش را، از جمله دانه‌پاشیدن برای پرندگانی که عادت کرده بودند هر روز صبح جلوی مغازه قدیمی‌اش بیایند، فراموش نکرد. جالب اینکه وقتی آخرین روزهای زندگی‌اش را سپری می‌کرد، انگار که بخواهد از مهمی را با من که فرزند ارشد خانواده بودم در میان بگذارد، آهسته طوری که فقط من بشنوم، گفت: «یادت باشد روزی این پرنده‌هایی را که هر روز برای خوردن دانه جلوی مغازه می‌آیند، فراموش نکنی. آنها عادت کرده‌اند روزی‌شان را از دست ما بخورند. هر چند ما، وسیله‌ایم؛ روزی پرنده‌ها را هم خدا می‌رساند، اما تو یادت باشد از این کار غفلت نکنی.»
تحکم کلام پدر موقع به زبان آوردن این حرف‌ها چنان بود که باعث شد هرگز فراموش نکنم یکی از وصیت‌های اصلی پدر همین فراموش نکردن روزی پرنده‌ها بود. سعی کردم به خودم بقیولم که اگر مال و منال‌ی از پدر برای خانواده به جا مانده است، غیر از اهل خانه، موجودات زنده دیگر از جمله همین پرنده‌ها هم سهمی از آن دارند که من باید امتاندار خوبی باشم تا همگی از سهم خود استفاده و ارتزاق کنند.



انجامش بده

کمی غزل بخوانید

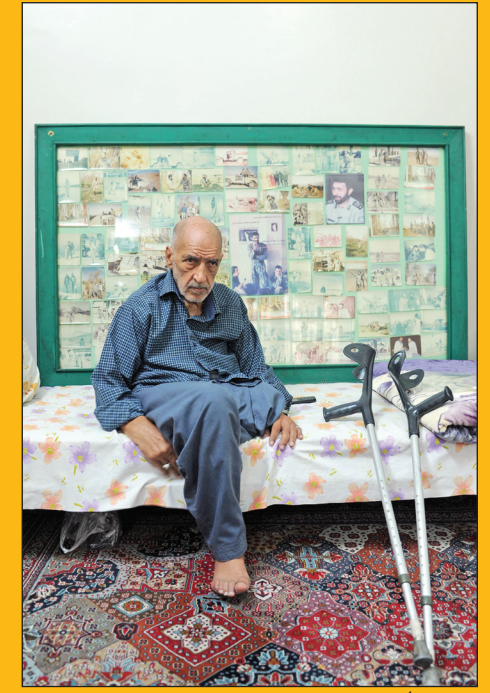
امروز، ۶ اسفندماه و مصادف با تولد شاعر معاصر، امیر هوشنگ ابتهاج متخلص به «سایه» است که تاثیر زیادی بر شعر ایران، مخصوصاً از دهه ۴۰ به بعد گذاشت و در دوره‌ای که شعر نو به فرم پیشرویی تبدیل شده بود، اشعار سایه بار دیگر غزل را تقویت کرد. بد ندیدیم به همین مناسبت تعدادی از آثار این شاعر بزرگ را معرفی کنیم تا امروز را به غزل خوانی بگذرانید.

■ **از مهم‌ترین آثار هوشنگ ابتهاج،** تصحیح غزل‌های حافظ است. این اثر با عنوان «حافظ به سعی سایه» نخستین بار در سال ۱۳۷۲ از طرف نشر کارنامه به چاپ رسید. بار دیگر نیز با تجدید نظر و اصلاحات جدید منتشر شد. سایه سال‌های زیادی را صرف پژوهش و حافظ‌شناسی کرد. این کتاب حاصل تمام آن تلاش‌ها و زحمات است که در مقدمه آن را به همسرش آما پیشکش کرده است.

■ **«سراب»** اولین مجموعه شعر اوست که با مضامین شعر جدید، سروده شده است. گرچه قالب شعرش همان چهارپاره است اما داد تا جایی که گروهی از منتقدین، تعدادی از غزل‌های او را در این مجموعه، از بهترین غزل‌های دوران معاصر به شمار می‌آورند. «هاگ نی»، «تاتسایان»، «آینه در آینه»، «پیر پیر نیان اندیش»، «یادگار خون سرو» و «راهی و آهی» از دیگر آثار این شاعر برجسته ایرانی است.

■ **مجموعه شعر بعدی ابتهاج،** با نام «سایه‌مشق»، با وجود اینکه پس از «سراب» منتشر شد، شعرهای سایه را در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹ در خود جای

روز جانباز



محمدرضا مجبویی



محمد تقی عسگریان

اول آخر مردانگی، وطن پرستی و از پای ننشستن اگر شمالی داشته باشد اینگونه است. *عکس: همشهری | امیر رستمی*

حس خوب

جامانده از نخلستان

یک محافظ پلاستیکی و داربست دورش را پوشانده‌اند. انگار حالا که زمستان شده، او هم باید لباس گرمی بپوشد تا سرما در امان باشد. حالا که چند سالی است تغییر اقلیم مرگ نخل‌های تهران را رقم زده، دیدن این محافظ پلاستیکی خوشایند است.

«هتل چتر بود، چتر خیلی بزرگ، چند پله



رفت از بالا و آمد پایین، می‌خواست خرما بچیند، ترسید.» دور از بقیه درخت‌ها با لیبسی که برایش ساخته‌اند، قدرت‌نمایی می‌کند. سرش بالا و استوار رو به آسمان است. قصه‌ای با ابرها دارد. اما نخل سزرگ می‌تواند با این لباس و میله‌های داربست که مثل نخ سوزن، قواره پارچه پلاستیکی را بهم متصل کرده‌اند، نفس بکشد؟ می‌تواند از شر آلودگی هوادر امان بماند؟ نخل اگر هم شسکایتی از هوای آلوده نداشته باشد، شاید با لبرها قاصه نخلستان گرمایش را بگوید. قاصه روزهایی را بگوید که هم درخت‌ها هم آدم‌ها می‌توانستند بدون دود و دم ماشین‌ها از آسمان و شهر لذت ببرند. اما قارغ از تمام مصائب سسرما، نخل با قامت استوار ایستاده است. در میانه پایتخت، دور از اصلن.

«مراد از دیدن نخل‌ها سیر نمی‌شد. خرما، چسبیده بر خوشه‌ها، رنگارنگ بود. زرد و سرخ و نارنجی و سیاه و سبز و کال، رسیده و نیم‌رس.»

کرده و مطالبات خود را مطرح کنند. در واقع، مراکز مثبت زندگی، چیزی شبیه به دفاتر پیشخوان دولت یا کارگزاری‌های بیمه است که قرار است خدمات بهزیستی را ساده‌تر و سریع‌تر و حتی بدون مراجعه معلولان و خانواده‌هایشان به مراکز بهزیستی ارائه بدهد. مراکز مثبت زندگی به‌صورت محله محور، طراحی شده است و به ازای هر ۴۵۰ مددجو در یک منطقه یا شهرستان یا روستا، یک مرکز مثبت زندگی وجود دارد. با این حساب، معلولی که در روستای دورافتاده در شهر مرزی مثل ایلام و یا در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان زندگی می‌کرد و به‌دلیل شرایط خاص شاید هیچ‌وقت نمی‌توانست به سازمان بهزیستی استان خود مراجعه کند، حالا می‌تواند به نزدیک‌ترین مرکز مثبت زندگی محل سکونتش برود و مشکلات و درخواست‌هایش را با مسئولان این مراکز در میان بگذارد یا اینکه کارشناسان و مددکاران به خانه آنها می‌روند و نیازهایشان را بر طرف می‌کنند. گسترش تأسیس مراکز مثبت زندگی، در دسترس بودن خدمات بهزیستی برای تمام افراد جامعه چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، همچنین نظارت سیستماتیک بر نحوه ارائه خدمات باعث استقبال مردم و بخش خصوصی از مراکز مثبت زندگی شده و قرار است غربالگری‌ها برای پیشگیری از معلولیت، برنامه‌های امیدآفرین و کارگاه‌های آموزشی هم در این مراکز برگزار شود.



نمایشگاه‌های عیدانه و رمضان

خیابان‌ها شلوغ شده و مردم برای خریدهای شب عید از این فروشگاه به آن فروشگاه در رفت‌و آمدند و تلاش می‌کنند تا قبل از سال نو، تمامی مایحتاج‌شان را تهیه کنند. به‌ویژه اینکه امسال ماه مبارک رمضان هم با عید نوروز هم‌قارن شده و علاوه بر خرید

شب عید، باید اسباب این‌هاه دوست‌داشتنی را هم فراهم کنند. هر سال همین موقع‌ها، نمایشگاه‌هایی با عنوان نمایشگاه بهاره برگزار می‌شود تا مردم، دیگر توی خیابان‌ها سهرگردان نباشند و هر چه می‌خواهند و احتیاج دارند را از این نمایشگاه‌ها تهیه کنند. امسال هم طبق روال سال‌های گذشته و به‌گفته استاندار تهران، قرار است نمایشگاه‌های عرضه مایحتاج شب عید و ماه رمضان در تهران و شهرستان‌های استان تهران با هدف عرضه با قیمت و کیفیت مناسب، فراوانی، در دسترس بودن و پراکندگی در سطح استان تهران برگزار شود. امسال نام این نمایشگاه‌ها به «عیدانه و رمضان» تغییر پیدا کرده اما ماهیتش همان است که بود و اقلام مورد نیاز شهروندان برای شنب عید و ماه مبارک رمضان را عرضه می‌کنند. این نمایشگاه‌ها در ۵ نقطه حکیمیه، ارم، مصلی، خاوران و بوستان ولایت و همچنین شهرستان‌های استان تهران برگزار خواهند شد. خوبی این نمایشگاه‌ها همانطور که ذکر شد، این است که شهروندان می‌توانند مایحتاج‌شان را با قیمتی مناسب و البته کیفیت مطلوب تهیه کنند و مطمئن باشند بیشتر چیزهایی که می‌خواهند در این نمایشگاه‌ها پیدا می‌شود. علاوه بر این، از آنجا که نمایشگاه‌های عیدانه و رمضان در شهرستان‌های اطراف تهران هم برپا می‌شود، دیگر لازم نیست مردم از اطراف تهران در پایتخت بیایند تا از این نمایشگاه‌ها خرید کنند؛ چرا که این کار، هم ترافیک را بیشتر کرده و هم باعث مصرف سوخت و در نتیجه آلوده شدن بیشتر هوا می‌شود. استاندار تهران هم گفته که کمبود کالایی برای شب عید وجود ندارد، پس با خیال راحت خرید کنید.

کار خیر به جای مراسم ختم

هریک از ما ممکن است عزیزی را از دست داده باشیم و دوست داشته باشیم برای یادبودش سنگ تمام بگذاریم. بعضی‌هایمان مراسمی ساده می‌گیریم و بعضی هم سالن‌های آن چنانی، پذیرایی

آنچنانی، چند منل غذا، چند مدل شیرینی و حلوا و کلی بریز و بپاش دیگر که نه‌تنها پسندیده نیست، بلکه به نوعی اسراف محسوب می‌شود و خبری هم به مروت نمی‌رساند. اما در این میان، عده‌ای هم هستند که ترجیح می‌دهند به جای گرفتن مراسم و خرج‌های بیپوده، این پول را صرف یک کار خیر کنند که توشش هم در روح عزیزشان برسد. نمونه‌اش مردی مراغهای است که در نخستین سالگرد فوت پدرش، به جای مراسم و مهمانی، یک زندانی را آزاد کرده که به‌خاطر یک بدشانسی در کار، بداهی آلوده و برای ۷۰ میلیون بدهی با چند بچه قد و نیم قد، ۳سال تمام پشت میله‌های زندان بوده است کاری که یک خانواده را بسیار خوشحال کرده و دعای خیرشان همواره، همراه این فرد خیر خواهد بود. دیگر وقت آن رسیده که این فرهنگ اشتباه برگزار ی یادبودهای لاکچری را تغییر بدهیم و به یک مراسم و اطعام ساده بسنده کنیم یا اینکه به جای همه‌اینها، یک کار خیر انجام دهیم. می‌دانید به همت تک‌تک ما چه تعداد زندانی مالی می‌توانند از پشت میله‌های زندان رها شوند؟

پرداخت وام به زلزله‌زدگان خوی

زلزله خوی آسیب‌های زیادی بر جای گذاشت و مردم بسیاری را بی‌خانه و سرپناه کرد. قاعدتا در چنین شرایطی، آدم‌ها بیشتر اموال‌شان را از دست می‌دهند و ساختن دوباره زندگی برایشان دشوار می‌شود. خوشبختانه

مردم نودوست ما در موقعیت‌های این چنینی، هرگز هموطنان‌شان را تنها نگذاشته و به یاری آنها شتافته‌اند. پس از زلزله خوی هم علاوه بر مردم که همیشه پای کار هستند، بیشتر نهادها و سازمان‌ها برای کمک رسانی دست به‌کار شده‌اند و با پرداخت تسهیلات و وام و فرستادن نیروی کمکی، در امداد رسانی به مردم زلزله زده سهیم بودند. سازمان بازنشتگی کشوری هم از جمله همین نهادهاست که اعلام کرده تسهیلات ۱۵ میلیون تومانی برای بیش از ۶هزار نفر از بازنشتگان آسیب‌دیده از زلزله خوی در نظر گرفته است. انطور که مدیرعامل صندوق بازنشتگی کشوری گفته، براساس اعلام قبلی وام ضروری ۱۵ میلیون تومانی برای تعداد ۶هزار و ۲۸۰ نفر از بازنشتگان و وظیفه‌بگیران زیر پوشش این صندوق در شهرستان خوی که از زلزله اخیر آسیب‌دیده بودند، واریز شده است. همچنین ارزایی میزان خسارت منزل بازنشتگانی که در زلزله خوی بیش از ۵۰درصد آسیب‌دیده یا تخریب شده توسط کارشناسان بیمه برای کمک به بازسازی آن توسط صندوق آغاز شده است.

نجات شاه‌بوف زخمی

این خبرها همیشه خوشحال‌کننده است؛ اینکه یک نفر یک بوزپلنگ وحشی را به جای کشتن، زنده‌گیری می‌کند و تحویل سازمان محیط‌زیست می‌دهد. یک نفر دیگر یک خرس زخمی را می‌گیرد و تحویل می‌دهد. آن یکی، یک عقاب را تیمار می‌کند

و می‌سپاردش به مأموران محیط‌زیست و یکی دیگر نجات بخش یک بچه آهو می‌شود. همه اینها نشان‌دهنده ارتقای فرهنگ «دوستدار محیط‌زیست بودن» است و کار مأموران حفاظت از محیط‌زیست را راحت‌تر کرده است. در یکی از جدیدترین خبرهایی که در این زمینه منتشر شده، یک فردمربوایی که اتفاقاًهمیار محیط‌زیست هم است، یک شاه‌بوف زخمی را نجات داده و برای تیمار و رهاسازی در زیستگاه‌های مناسب، این پرنده را به اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان میروان تحویل داده است. رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان میروان هم با تقدردانی از دیدگاه محیط‌زیستی این فرد دوستدار طبیعت و محیط‌زیست، گفته: جای بسی خوشحالی است که هر روز بر تعداد دوستداران و همیاران محیط‌زیست برای حفاظت و نگهداری حیات وحش در این شهرستان افزوده می‌شود. شاه‌بوف هم پس از بررسی‌های دامپزشکی و با توجه به شرایط مطلوب و اطمینان کامل از سلامت این پرنده، به دامان طبیعت بازگردانده خواهد شد.